



حدیث روز

امام صادق علیه السلام :

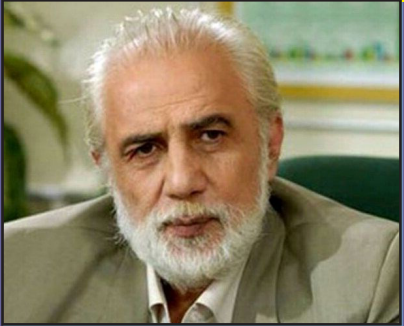
قال زَجَلْ لِأَبِي جَعْفَرٍ عَلَيْهِ السَّلام : إِنِّي ضَعِيفُ الْعَمَلِ قَلِيلُ الصَّيَّامِ ، وَلِكُنِّي أَرْجُو أَلَّا أَكُلَ إِلَّا خَلًّا قَالَ : فَقَالَ لَهُ : ائْتِ الْإِحْتِبَادَ أَفْضَلَ مِنْ عَقَّةِ بَطْنِ وَقْرَجٍ!!

– به نقل از ابو بصیر – مردی به امام باقر علیه السلام گفت : من معلم ضعیف و روزه ام اندک است ؛ اما کوشش می کنم جز حلال نخورم . امام علیه السلام فرمود : «چه عمل و کوششی برتر از حفظ شکم و شهوت از حرام است؟»

علی دهگردی جایگزین

فرامرز صدیقی در «داستان

یک شهر» شد



«داستان یک شهر» یکی از سریال‌های جذاب و پرمخاطب تلویزیون در دهه ۸۰ با کارگردانی اصغر فرهادی بود که فصل سوم آن با تیمی جدید و کارگردانی محمدرضا آهنج روی آنتن می‌رود.

فرشید محمودی تهیه‌کننده سریال «داستان یک شهر» با بیان اتمام تصویربرداری این سریال در نیمه خرداد ماه گفت: تصویربرداری این مجموعه تلویزیونی با پیش از ۶ ماه تصویربرداری، نیمه خرداد ماه به پایان رسید، اما سکانس باقی مانده این سریال که مربوط به یک صحنه تصادف است، آخرین جمعه خرداد ماه در چیتگر تصویربرداری شد.

محمودی اضافه کرد: همزمان با تصویربرداری، کار تدوین، صداگذاری و ساخت موسیقی سریال «داستان یک شهر» در حال انجام است، همچنین ترانه تیتراژ ابتدایی را امیر چهارم برای این سریال خوانده است و به‌زودی تیتراژ پایانی را با صدای هنرمند دیگری ضبط خواهیم کرد.

تهیه کننده سریال «داستان یک شهر» با اشاره به بخش قسمت‌هایی از فصل اول این سریال تأکید کرد: شبکه پنج سیما در نظر دارد برای تملای و یادآوری داستان این سریال برای مخاطبان، هفت قسمت از فصل اول آن را قبل از پخش سری جدید بازپخش کند.

وی ادامه داد: مجموعه تلویزیونی «داستان یک شهر» یکی از سریال‌های جذاب و پرمخاطب تلویزیون در دهه ۸۰ بود که دو فصل ۲۶ قسمتی آن به تهیه‌کنندگی و کارگردانی اصغر فرهادی از سال ۱۳۷۸ تا ۱۳۸۰ از قاب شبکه پنج سیما تماشایی شد و اکنون بعد از ۲۰ سال، پیمان عباسی نگارش نسخه جدیدی از این مجموعه تلویزیونی را بر عهده گرفته است. داستان یک شهر، روایت تازه‌ای از تلاش ۲۶ ساله تیم برنامه‌ساز برنامه گزارشی «در شهر» شبکه پنج سیما است و قصه از اینجا شروع می‌شود که تیم جوان و جسور برنامه درشهر با تماس مردمی برای تهیه گزارشی از تخریب و گودبرداری غیراصولی یک ساختمان راهی می‌شوند و ... این شروع قصه‌ای ۲۶ قسمتی از تلاش بخش کوچکی از رسانه ملی در رساندن مسائل و مشکلات مردم به گوش مسئولان است.

محمودی با اشاره به تعامل با کارگردان دو فصل قبل این سریال گفت: من متنی را نوشتم و به رسم ادب از آقای فرهادی اجازه گرفتم و گفتیم اگر نقطه نظری دارید بفرمایید دوستی که مدیر تولید کارهای آقای فرهادی هستند، متن را برای ایشان ارسال کردند و آقای فرهادی نیز برای فصل جدید این سریال آرزوی موفقیت کردند.

به گفته این تهیه کننده دانیال عبادی، هلیا امامی و امین ایمانی در این سریال در نقش گزارشگران در شهر ظاهر می‌شوند و علی دهگردی جایگزین فرامرز صدیقی در فصل قبلی شده است.

بنابراین گزارش، یوسف مرادیان، ایرج نوردی، سروش جمشیدی، عزت الله رضایی فر، بهزاد خدابیسی، امیر دژاکام، نسرين بابایی، مریم کلمی، ایوب آقاخانی، رضا تولکی، فرشید زارعی فر، پورلنداخت مهیمن، علی آهنج، فرام ناظری، ریحانه رضی، علیرضا مهران، سنان سماواتی، عاطفه جلالی، شقایق زمانی، رضا دودانگه، حسین عباسی، مهتاب شکریان، بهار نوحیان، علی عطایی، ایران مسعودی، حسین کریمی، پارمین عباسی، نبوشا مدبر، دانیال ابراهیمی، شقایق بابایی و... از دیگر بازیگران این سریال هستند.

داستان یک شهر کاری از گروه فیلم و سریال شبکه پنج سیماست که در فصل تابستان ۱۴۰۱ تقدیم نگاه مخاطبان خواهد شد.



«علی شیرازی» از خوشنویسان برجسته

کشورمان گفت: دو نفر از سرآمدان خوشنویسی، برادران میرخانی بودند که از چهره شاخص عرصه خوشنویسی کشورمان به شمار می‌روند؛ استاد سید حسین میرخانی در نواختن کمانچه نیز دستی توانا داشت اما بعد از نوشتن قرآن، هرگز ساز نواخت!

«علی شیرازی» از خوشنویسان برجسته کشورمان درباره اثربخشی برادران میرخانی در ارتقای سطح خوشنویسی کشور اظهار کرد: انجمن خوشنویسان ایران به‌عنوان یکی از تاثیرگذارترین و با سابقه‌ترین تشکیلات فرهنگی و هنری غیردولتی «مردم نهاد» و یکی از گسترده‌ترین آموزشگاه‌های خوشنویسی کشور برای نخستین بار در تاریخ ۱۳۲۹ با گرد هم آمدن خوشنویسان بزرگی چون استاد علی اکبر کاوه، استاد سید حسین و سیدحسن میرخانی و مرحوم دکتر بیانی، استاد دانشگاه و پژوهشگر حوزه خوشنویسی پا به عرصه وجود نهاد. او ادامه داد: همانطور که می‌دانید، دو نفر از سرآمدان خوشنویسی آن زمان، برادران میرخانی بودند که از چهره شاخص عرصه خوشنویسی به شمار رفته و نامشان با انجمن خوشنویسان ایران پیوند ناگسستنی دارد؛ این استادان هر کدام به نوعی در گسترش و ترویج هنر خوشنویسی، احیاء خوشنویسی و اخلاق هنری تاثیر گذار بوده‌اند.

شیرازی با اشاره به فرهیختگی سیدحسن میرخانی گفت: جالب است بدانید استاد سید حسن میرخانی ملقب به سراج الکتاب، یکی از پرکارترین کتابیان نستعلیق تاریخ خوشنویسی ایران است؛ کارنامه‌ای درخشان، هزاران صفحه کتابت استوار

این تهیه‌کننده درباره قاچاق فیلم‌های سینمایی گفت: یکی از معضلات جدیدی که با آن روبرو شده‌ایم قاچاق فیلم‌ها از پرده سینماها است که به نظر سازمان سینمایی با صنوف جلسه‌ای گذاشته و قوه قضاییه نیز به این مسئله ورود کرده و قرار است پیگیری‌های لازم برای جلوگیری از قاچاق صورت بگیرد. در بحث قاچاق فیلم‌ها در اکران آنلاین اقدامات جدی باید صورت بگیرد و به هر شکل در حال حاضر اکران آنلاین برای آثار سینمایی اصلا به صرفه نیست. وی افزود: فیلم‌ها باید در اکران به فروش و بازگشت سرمایه برسند و در نهایت اکران آنلاین صورت بگیرد. به عنوان مثال در اکران فیلم «مانتیسیم عماد و طوبا» ما این تجربه را داشتیم و فیلم واقعا با لطعات شدیدی مواجه شد که حتی نتوانستیم هزینه تبلیغات آن را از فروش به دست بیاوریم و همچنان منتظریم سازمان سینمایی از ما حمایت کند. یکی دیگر از مسائل آسپ‌بزننده به فیلم «مانتیسیم عماد و طوبا» اکران همزمان یک فیلم کمدی بود که باعث شد این اثر کنار



و شیرین نظیر مثنوی معنوی، کلیات سعدی شیرازی، خمسه حکیم نظامی گنجوی، دیوان حافظ، گزیده شمس تبریزی، بابا طاهر همدانی، داستان ملک جمشید، دیوان بنده (دیوان اشعار استاد میرخانی) و ... از جمله آثاری است که به قلم وی خوشنویسی شده است؛ ناگفته نماند که بعضی از این دو را علاوه بر برادران میرخانی بودند که از چهره شاخص عرصه خوشنویسی به شمار رفته و نامشان با انجمن خوشنویسان ایران پیوند ناگسستنی دارد؛ این استادان هر

است که چشم را نوازش می‌کند و خواننده هنگام خواندن نه تنها احساس خستگی نمی‌کند، بلکه سرعت خواندن او نیز افزایش پیدا می‌کند؛ استاد سید حسن میرخانی علاوه بر کتابت، با قلم مشقی و جلی صفحه نیز آثار فراوانی را خلق کرده است؛ او با خطوط ثلث و نسخ شکسته نیز آشنا بود و قطعات و سطرهای نستعلیق‌اش در کتابی تحت

مهدی صباغ‌زاده: دولت از سینمای فرهنگی حمایت کند

گذاشته شود و در برخی سینماها به صورت تک سانس اکران شود که اقدامی غیر قانونی است اما کسی این موضوع را پیگیری نکرد و فیلم عملا از دست رفت. تهیه‌کننده فیلم سینمایی «تالیا ایتالیا» در ادامه گفت: حرف‌های زیادی درباره حمایت از سینمای فرهنگی و اجتماعی زده می‌شود اما در عمل چنین اتفاقی رخ نمی‌دهد. درباره اعضای شوراهای صنفی هم باید تجدید نظر شود و تصمیمات به شکلی گرفته شود که ترکیب فیلم‌های در حال اکران به درستی انتخاب شود تا اثری دیگر آثار را به

سینما روایت سیاهی‌ها و تلخکامی‌ها نیست



کنار شرایط عمومی دوران پسا کرونا برخی از همین محتواهای نامرتبط با آن ها باشد. به گفته وی، نهاد مقدس خانواده با مفاهیم و اخلاقیاتی چون همدلی، امید، روح تعاون و همکاری های اجتماعی تجلی و معنا پیدا می کند و سینمای ما باید روایتگر ارزش های خانواده و تقویت و اعتلای آن باشد. خزاعی با بیان اینکه جامعه از تصاویر زیبا، روح بخش و حماسه آمیز استقبال می کند گفت: تصویر زیبا بسازید، با جامعه بینی و جهان بینی دقیق به سراغ فیلمسازی بروید. سینما روایت سیاهی ها و تلخکامی ها نیست. حقیقت هنر به تعبیر بزرگان ایجاد رزنه های امید و نور و روشنی است. رئیس سازمان سینمایی تصریح کرد: سینما نقش بسزایی در کاهش یا حتی، افزایش آسیب های اجتماعی می تواند داشته باشد. وی ادامه داد: سینما ممکن است با نمایش و القای سبک زندگی غربی به پدیده شوم تجددگرایی دامن بزند که در صورت غفلت

سر گذشت برادران میرخانی؛ خوشنویسی که پس از کتابت قرآن دیگر ساز نواخت!

سطرهای زیبایی تعلیمی این هنرمند چیره‌دست تاکنون به عنوان سرمشق خوشنویسان مورد استفاده است.

شیرازی تأکید کرد: استاد سید حسین میرخانی توانست دو بار قرآن کریم را کتابت کند؛ وی علاوه بر کتابت در تربیت هنرجویان و گسترش سبک خوشنویسی شیوه کلهر از موفق‌ترین استادان معاصر است؛ بسیاری از اساتید معاصر و پیشکسوت امروز که از مفاخر هنر خوشنویسی کشور هستند از شاگردان این استاد بزرگ و ارشد خوشنویسی کشور هستند.

وی گفت: استاد سید حسین میرخانی بیش از همه خوشنویسان هم‌عصر خویش در آموزش و احیای خوشنویسی نقش داشت چرا که با شخصیت موقر، متین، با اخلاق و کاریزمانیک خود سبب جذب هنرجویان آن دوره شده همه استادانی که در محضر این استاد اخلاق و عرفان پرورش یافته‌اند، خود نیز از اخلاق حسنه این استاد تاثیر وافر گرفته‌اند؛ وی در نواختن کمانچه نیز دستی توانا داشت اما بعد از نوشتن قرآن، هرگز ساز نواخت.

ویژه برنامه «سر مرکب قلم» و آیین بزرگداشت بزرگان قلم و اخلاق روز جمعه ۲۷ خرداد ماه از ساعت ۱۷ در فرهنگسرای گلستان به همت فرهنگسرای گلستان و با مشارکت انجمن خوشنویسان ایران برگزار می‌شود؛ در این مراسم یاد و خاطره ۲ استاد فقید، برادران سیدحسن و سیدحسین میرخانی با حضور چهره‌های نام‌آشنای عرصه خوشنویسی کشور نظیر امیراحمد فلسفی، علی شیرازی، یدالله کابلی، مهدی فروزنده، هادی منتظری گرمای داشته می‌شود؛ ورود برای عموم علاقه‌مندان آزاد است.

حاشیه نبرد و همه بتوانند اکران نسبتاً موفق‌ی داشته باشند.

صباغ‌زاده در پایان گفت: دولت باید یک فکر اساسی برای حمایت از سینما داشته باشد و حتی می‌توان یک بودجه مشخص برای سینمای اجتماعی در نظر گرفت وگرنه این سینما از بین می‌رود و ما فقط یک سینما صنعتی خواهیم داشت که به فروش توجه دارد.

صباغ‌زاده در ادامه گفت: دولت باید یک فکر اساسی برای حمایت از سینما داشته باشد و حتی می‌توان یک بودجه مشخص برای سینمای اجتماعی در نظر گرفت وگرنه این سینما از بین می‌رود و ما فقط یک سینما صنعتی خواهیم داشت که به فروش توجه دارد.

برجسته شود و باید نهضت بازگشت به خوشتن را در سینمای ایران احیا کنیم. در ادامه این مراسم، مهدی آذرپندار مدیرعامل سینمای جوان کشور اظهار داشت: ۱۲ سال از آخرین تجهیز سراسری دفاتر انجمن سینمای جوان گذشته و در تلاش هستیم با همت دولت سیزدهم بار دیگر نسبت به تجهیز دفاتر انجمن سینمای جوان سراسر کشور اقدام کنیم. بر این اساس تا پایان سال جاری اتفاقات خوبی در این حوزه رقم خواهد خورد.

وی با اشاره به استعدادهای خاص استان خواستار فعالیت بیشتر سینماگران شد. عبدالله برعالوموی مدیرکل فرهنگ و ارشاد اسلامی استان اردبیل نیز در خصوص آثار راه یافته به بخش نهایی این جشنواره گفت: ۹۸ فیلم در این جشنواره اکران شده است که از این تعداد ۴۷ فیلم به بخش مسابقه راه یافت و ۱۷ فیلم در موضوعات مستند، داستانی و انیمیشن به عنوان برترین‌ها انتخاب شده و از عوامل این آثار تقدیر شد.

وی افزود: برگزاری نهمین هفته فیلم و عکس سینمای جوانان استان و هشتمین جشنواره استانی فیلم مهر اردبیل با تأخیر پنج ساله باعث افتخار و مسرت است و امیدواریم با کاهش شیوع ویروس کرونا شاهد شوق و رونق دوباره رویدادهای فرهنگی و هنری در سال‌های پیش‌رو بوده با قوت و قدرت بیشتر ادامه دهیم.

گفتنی است تجلیل از خواهر شهید شامین قدریری معصومی، از فعالان حوزه سینمای اردبیل در این جشنواره صورت گرفت. شایان ذکر است در این مراسم، یزدان عشیری، اصغر فارسی و محمدرضا سوقندی رئیس سازمان سینمایی را همراهی می کردند.

روزنامه صبح ایران / سال دهم - شماره ۹۲۷

۲۹ خرداد ماه ۱۴۰۱ / با ما همراه شوید

www.serajonline.com – @serajname

فرهنگ و هنر



دبیر پژوهش روزنامه سراج حجت الاسلام استاد مجتبی خندان موضوع : عصمت امام زمان از منظر آیات قرآن کریم قسمت : سوم اطلاق امر به اطاعت از رسول و اولی الامر، دلیل بر عصمت ایشان است و جای تردید نیست در اینکه این اطاعت که در آیه: «أَطِيعُوا اللَّهَ وَأَطِيعُوا الرَّسُولَ ...» آمده، اطاعتی است مطلق، و به هیچ قید و شرطی مقید و مشروط نشده، و این خود دلیل است بر این که رسول امر به چیزی و نهی از چیزی نمی‌کند، که مخالف با حکم خدا در آن چیز باشد، و گرنه واجب کردن خدا اطاعت خودش و اطاعت رسول را تناقضی از ناحیه خدای تعالی می‌شد، و موافقت تمامی اوامر و نواهی رسول با اوامر و نواهی خدای تعالی جز با عصمت رسول تصور ندارد، و محقق نمی‌شود این سخن عینا در اولی الامر نیز جریان می‌یابد، چیزی که هست نیروی عصمت در رسول از آنجا که طاعت‌هایی از جهت عقل و نقل بر آنجا افتاده فی حد نفسه و بدون در نظر گرفتن این آیه امری مسلم است و ظاهرا در اولی الامر این طور نیست و ممکن است کسی توهم کند که اولی الامری که نامشان در این آیه آمده لازم نیست معصوم باشند، و معنای آیه شریفه بدون عصمت اولی الامر هم درست می‌شود.

توضیح این که آن چیزی که خدای تعالی در این آیه مقرر فرموده، حکمی است که به مصلحت است جعل شده، حکمی است که به مجتمع مسلمین به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می‌دهند در حالی که از همان اول می‌دانند او هم مثل خودشان جایز الخطا و معصوم نیست و به وسیله آن از این که دستخوش اختلاف و تشتت گشته از هم متلاشی گردد حفظ می‌شود، و این چیزی زاید بر ولایت و سرپرستی معهود در بین استبا و جمعیت نیست، و همان چیزی است که می‌بینیم عموم مجتمعات چه اسلامی و چه غیر اسلامی- آن را در بین خود معمول می‌دارند، یعنی یکی از افراد جامعه خود را انتخاب نموده و به او مقام واجب‌الاطاعه بودن و نفوذ کلمه می